

علم و آیدئولوژی

انقلاب در نظام آموزش عالی، درگیری با علم نیست

در صفحه هفتم

آیا هیات هفت نفری وظیفه خود را بدرستی انجام داد!!

نخستین مجلس شورایی ملی چه نقشی خواهد داشت

دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی پس از مدتی نزدیک بدوماه که از انجام رای گیری دوره اول آن گذشت در نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ انجام گردید در صفحه پنجم

زادروز مصدق فرخنده باد

نگاهی به زندگی پیشوای درگذشته ملت



در صفحه سوم

لزوم ملی کردن بازرگانی خارجی

در صفحه چهارم

در صفحات بعد:

● از اخبار هفته

از سوی امام خمینی هیاتی مامور رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفین شد
اعتراض سندیکی نویسندهگان و خبرنگاران مطبوعات به بستن چاپخانهها
تظاهرات مردم بحرین علیه حکومت
سفر ایران در شوروی، درباره مذاکرات دوباره قدرت هشدار داد

بهانه جوئی بس است دولت، هر چه زودتر باید تشکیل شود

دشوار یه روز افزون است، نابسامانی ها بگونه ای حیرت آور گسترش یافته فشار زندگی شانهی گروه های بزرگی از مردم را در هم می شکنند و همگان نگرانند گرانی و بی کاری بیداد میکنند و تزلزل امنیت، در قلبها هراسی باور نکردنی نشانیده است. امید همگان برای زدودن دشواریها و نابسامانیها به تلاش و تدبیر کار بدستان حکومت است ولی از اینان نیز جز ناآگاهی و ناتوانی به چشم نمیخورد.

کار بدستان کشور که باید نمونه کار آرای انقلابی باشند و بآبهره گیری از پشتیبانی بی دریغ توده مردم به دشواریها و نابسامانیها غلبه کنند، هیچ جوشش و ابتکاری از خود نشان نمی دهند و بگونه ای شگفت آوری دچار جمود فکری هستند و بیشتر تصمیم های آنها در چارچوب روشها گذشته است و گویی جدول ارزش های دست اندرکاران «نظام آریا مهری» بر ذهنهای ایشان حکومت دارد.

دستگاه اجرایی کشور در «حرف» چالاک است ولی در «عمل» بگونه ای بسیار شدید در مانده.

از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، امکان های فراوانی برای پیشرفت وجود داشته و هنوز هم دارد، ولی همتی این امکانات به هیچ گرفته شده و دستگاه اجرایی کشور از آفریدن نظم و کار که ضرورت دوران سازندگی است عاجز آمده و فرصت های گرانبهای کشور را هدر داده و می دهد.

هر روز از هرسو، باران هشدار بر کار بدستان حکومت فرو می ریزد و ایشان ربه توطئه های دشمن آگاه میسازند، ولی چنان آسوده دلی و خوش خیالی از خود نشان میدهند که شک انگیز است.

اینان هنوز به افشاندن بذر تفرقه در میان حزبها و سازمانها سیاسی سرگرم به رنجاندن و افسردن گروههای اجتماعی گوناگون ادامه میدهند و هنوز گفتگوی پاک سازی در ادارها، ژرفترین اشتغال فکری آنان است بی آنکه از اندیشه های انقلابی و پدید آمدن نظام اداری کشور و برنامه ای کار آینده، هیچ نشانی، در میان باشد.

بقیه در صفحه ۲



حزب ملت ایران و زادروز مصدق

نود و هشتمین خجسته زادروز مصدق، مرد نامیزای تاریخ ایران، روز دوشنبه بیستونهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در تالار سخنرانی قرارگاه مرکزی حزب ملت ایران باشکوهی آسمانی برپا گردید.

برای آن گروه وابستگان حزب که نخستین بار در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۵ زادروز مصدق را زیر سایه سنگین استبداد وابسته به بیگانه بر مزار پیشوا جشن گرفته بودند، لحظه به لحظه گذشت زمان چنان هوای تازه بهاری که بوی گل و باغ باخود دارد و زلال دلچسب آب که نوشیدنی است، شادی آفرین و روح افزاست.

مبارزان حزب ملت ایران که درفش پیکار را در سیاهترین

چنین دگرگونی پیش آید ولی بی تردید سینهی یک یک آن انگشت شما یاران لبریز از آرزوی آزادی و استقلال بود و امید اینکه زمانی زادروز مصدق را آنسان که شایان نام بزرگ اوست جشن بگیریم.

سال بعد ایمن روز سرنوشت ساز را وسعت بیشتر دادیم و از شخصیت های سیاسی و تنی چند از رهبران حزبهای وفادار به مصدق دعوت کردیم تا شب شعری را که به افتخار مصدق ترتیب داده شده بود با ما بگذارند. آن شب سرود «ای ایران» بگونه ای سرود ملی در آغاز برنامه پخش شد و سپس شعرهایی که در یاد مصدق سروده شده بود بوسیله خود شاعران آنها خوانده شد.

۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۴۷ در حالیکه دفتر کار دبیر حزب زیر دید گماشتگان ساواک بود و بیست و دو روز پیش از آن در خانه اش بمب گذاشته بودند، کار بدستان سازمان های حزبی گرد آمدند و به سخنرانی

داریوش فروهر که برای نخستین بار، مصدق، اندیشمندان و آرمان های مصدق و حرکتهای سیاسی او را بامعاری نو بررسی میکرد گوش فرا دادند.

در این روز در بیرون و درون ساختمانی که گردهم آئی در آن برپا شده بود گروهی رزمندگان سال گذشته، نخستین بهار آزادی را غنیمت دانستیم و زادروز پیشوا را با شکوه تمام جشن گرفتیم، مزار مصدق را گلباران کردیم و کلام احمد آبادیها، آن آشنایان روزهای تنهایی مصدق را شیرین، در بخشی از اعلامیه ای که حزب در بیستونهم اردیبهشت ۱۳۵۸ بهمین مناسبت انتشار داد چنین آمده:

تاریخ مردانی چون مصدق بسیار نداشته است و تا انسان هنوز به آن پایگاه والا نرسیده که معنای «در هر شرایطی جنگیدن و در برابر هیچ مشکلی از پای نشستن» را به درستی ادراک کند، تاریخ مردانی چون مصدق، بقیه در صفحه ۲

حفظ حیثیت ذاتی بشر در گرامیداشت آزادی های فردی و اجتماعی است

خطر شایعه پراکنی

تأسف اینجاست که تعداد زیادی از مردم بدون توجه به منبع و منظور شایعه پراکنان اصلی که دشمن انقلاب ما هستند فقط از روی سادگی و دلسوزی به انقلاب شایعات را که هدف اصلی رواج آنها تضعیف روحیه و ایجاد تفرقه در اجتماع است هم‌روزه باز گو می‌کنند و جومناسب را برای دشمن اصلی جهت ضربه زدن به دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران فراهم می‌سازند.

حزب ملت ایران

بسیار نخواهد داشت.

حزب آماده‌ی دفاع در برابر یورش که بیم آن می‌رفت بودند. امروز فروهر در بخش‌هایی از سخنرانی پرشور و طولانی خود چنین گفت:

«سخن از مردی است که از نادره‌های زمان و از شگفت پدیدارهای تاریخ ملت فرهنگساز ایران است. سخن از دکتر مصدق است، آزاده‌ای که در حرکت‌های انسانی و والایندگی او هر روزی تولدی بوده و در کوشش‌های ملت گریانه و تکامل‌یابنده‌اش چندین تولد پربرکت و گرمابخش آنهم در اوج خانگی مردم رنج‌دیده و ستم‌کشیده‌ای که سال‌ها چشم به ستاره دوخته بودند. مردی که مرگش نیز تولدی دیگر بود و به کاروان کوشا و تلاشگر و خستگی‌ناپذیری که اوقافه سالارش بود همدارهای جدیدتری میداد و به پویندگان راه‌های سخت‌گذر سال‌های پس از درگذشتش الهام‌های فزونتری میبخشید.

راه‌گشا برای زمان‌های آینده. بزرگترین راه‌گشای مصدق شناخت اصل آزادی و اصل استقلال میباشد»

فروهر در بخش دیگر از سخنان خود چنین گفت: قهرمان گفتار امروز ما که بخش نخست زندگی‌اش در همدلی و همگامی با مدرس گذشت دواصل استقلال و آزادی را به شیوه قاطع‌تری بکار گرفته و برای مدتی نه‌چندان دراز به پیروزی رساند.

زندگی مصدق سراسر مبارزه است برای حفظ استقلال ایران و دفاع از آزادی‌های فردی و اجتماعی ایرانیان. دواصل یادشده محور اساسی کوشش‌های دکتر مصدق است و دیگر کوشش‌ها و اقدامات وی بدور این محور بنیادی در حرکت هستند. و در بخش دیگر از گفتار خود چنین نتیجه میگیرد.

«کوتاه سخن مصدق نمونه‌ی انسان کاملی بود که همه‌جا و همه‌وقت از اصول خود انحراف پیدا نکرد از سختی‌ها نهراسید فریقتی هیچکس نشد دریادلی بود که در موج‌های سهمگین غوطه می‌خورد پایداری می‌کرد و پایداری می‌آموخت. مظهر استقامت بود و در سختی‌ها آزمایش می‌داد. در زندان و در تبعید هیچگاه ملت و مین خود را در رابطه با اصل استقلال و آزادی فراموش نمی‌کرد.

جمعه ۲۶ اردیبهشت‌ماه روز سرنوشت کشتی ایران و جهان در جام جهان‌پهلوان تختی بود.

استادیوم دروازه‌مزار نقری جای سوزن‌انداختن نداشت. سایه سنگین جهان‌پهلوان را در تمامی لحظات مسابقه بالای سر خود حس میکردیم و پسرش بابک این احساس را قوت میبخشید.

گردانندگان سازمان تربیت‌بدنی با برگزاری مسابقه‌های جهانی کشتی جام تختی بخشی از دین ورزش ایران را به این پهلوان نام‌آور و مبارز بزرگ ادا کردند.

رژه‌ی کشتی‌گیران با شرکت ستاد‌های درخشان بویژه هم‌آوردان تختی در حالیکه مدال‌های قهرمانی جهان‌پهلوان را نام‌آوران کشتی حمل میکردند، چنان با شکوه بود که گفتنی نیست شرکت رئیس‌جمهور ابهت چشمگیری به جریان داد وقتی مسابقه پایان یافت و ستاره‌های تیم ملی ایران با شش مدال طلا عنوان قهرمانی اولین دوره جام بین‌المللی تختی را به خود اختصاص دادند، موزیک سرود «ای ایران» را نواخت و ۱۲ هزار تماشاچی سرود ملی را با شور و هیجان خواندند.

سپس داریوش فروهر مبارز دیرپای و سفیر صلح و دوستی جایزه‌ی قهرمانان را به آنها داد و یکبار دیگر در خواندن سرود «ای ایران» با تماشاگران شرکت جست. فریاد فروهر ایران، فروهر-ایران، استادیوم را به لرزه درآورده بود.

رئیس‌جمهور لوحه‌ی یادبودی را

راه را پیبوم

پنجم، نامت را
نقش زندانها کرد
بی‌هراس از شحنة
وحشت از بند و شکنج
راه را پیبوم
گرچه باتاول پای
خارجشمش گشتم
غصه‌ی تلخ‌دل تنه‌ایش

شکر، دیروز شکست
آب شد برف زمستان سیاه
ابرها باریدند
دشتها روئیدند
آسمان آبی شد
آفتاب رخشان
همه جا را گسترده
رودپر زمرمه شد
دشت از بوی اقاقی‌ها، مست
از هیاهوی پرستوها، پر
پر پروازم باز
آه، ای آزادی
سایهات بر سر ما
تا ابد گسترده

۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۹
پروانه

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
صندوق پستی ۱۱۵۷ - ۳۱۴

جام جهان پهلوان تختی



مدال قهرمانان بوسیله داریوش فروهر داده میشود.

انقلاب است، در حالیکه تیم‌های فوتبال، وزنه‌برداری و کشتی‌ما، هر یک به بهترین شکل استعداد‌های درخشان‌شان را به ظهور رساندند و برای ایران افتخار آفریدند، محروم کردن آنها از شرکت در مسابقه بین‌المللی چه معنایی میتواند داشته باشد؟! آیا بهتر نیست در این تصمیم‌گیری تجدیدنظر بعمل آید؟!

به هم‌آوردان تختی از آنجمله مدوید که بارها جمعیت با نامش فریاد شادی برکشید، داد. از نکته‌های گفتنی این مسابقه‌ی بزرگ تقاضای پی‌درپی مردم زیر شعار «بنی‌صدر - المپیک» بود که شرکت در مسابقه‌های بین‌المللی المپیک را بگونه یک خواست جدی همگانی طرح کردند آنچه بنظر غیراصولی حتی توأم با نوعی لجبازی میرسد مقاومت شورای

دولت، هر چه زودتر باید تشکیل شود

هنوز بخش عمده‌ی گفتارهای کاربدستان رانویدهای فریبنده پر کرده است و هنوز در نیافته‌اند که مردم ایران برآستی آگاه و بیدار شده و کردارهای نمایشی را از کردارهای سازنده بخوبی تمیز می‌دهند. هنوز در نیافته‌اند که مردم این شگردهای تبلیغاتی راشناخته‌اند و از رهگذر آن به ناامیدی

و دل‌سردی دچار شده‌اند. کوتاه سخن آنکه دستگاه اجرایی کشور نه در اندیشه و نه در کار، از خود جسارت انقلابی و توانایی دگرگون‌کننده نشان نداده و این زبونی بر همگان آشکار شده و هر تبلیغ برای پوشانیدن آن دیگری بی‌حاصل است.

اصرار بیشتر در توجیه و اعتبار دادن به شیوه‌ی کار و اندیشه‌ی کار بدست‌ان حکومت بی‌شک ناامیدی و دل‌سردی فزونتر مردم را در پی میتواند داشت. حیاتی‌ترین ضرورت کشور که پدید آوردن یک دولت با اقتدار پر تحرک میباشد، ماههاست که در کوران رقابت‌های شخصی و فرقه‌ای فرو مانده.

در دو هفته‌ی گذشته طرح ابتکاری رئیس‌جمهور که رهبر انقلاب نیز بردرستی آن صحنه گذارده بود میرفت بر این سرگردانی نقطه‌ی پایانی نهد ولی ناگهان بند وبست‌های پنهان، بار دیگر، چهره‌ی کریم خود را نشان داد و اجرای آن به بوتهی فراموشی سپرده شد. بی‌تکلیف نگاه داشتن مردم و کشور و پافشاری در بر سر کار ماندن دستگاه اجرایی ناآگاه و ناتوان و به جد محافظه‌کار و تلاش در باقی‌گذاردن مرکزهای گوناگون قدرت که هر یک جدا سرانه عمل میکنند، فضا و روحیه‌ی انتظار آمیخته به نگرانی پدید آورده است.

گروه‌های بزرگی از مردم که آمادگی و شوق بسیار برای شرکت در سازندگی انقلابی داشتند، اینک با تردید به آینده می‌نگرند، چنانکه گویی چشم به راه رسیدن مصیبتی نشسته‌اند!

بسیاری از مردم توانا و آگاه کشور از اینکه گوش‌زدها و دلسوزبهایشان به هیچ گرفته شده به افسردگی دچار آمده‌اند و دیگر رغبتی به شرکت گسترده و کوشا در دوران سازندگی انقلاب، بروز نمی‌دهند.

به برآیند این دشواریها و نابسامانیها باید هشجاری و تلاش دشمنان را نیز افزود که در کمین نشسته‌اند و هر آشفته‌ی نور امید بر دل‌های تیره‌ی آنان می‌تاباند و هر کجروی، جسارت و توطئه‌ی تازه در آنان می‌آفریند.

آنان که در گذشته‌ی نه‌چندان دور، توان سر بر کردن و در یکدیگر نگرستن را نداشتند، اینک گردن افراخته‌اند. آنانکه در یاس و انزوای محض فرو رفته بودند، اینک به جنب و جوش درآمده‌اند.

حزب ملت ایران به ناگزیر باز هم هشدار میدهد و از گردانندگان کار می‌خواهد

که بخود آیند، در این برهه‌ی سرنوشت‌ساز به آینده ایران و یا دست‌کم به آینده‌ی خود بیندیشند و کرداری شایسته در پیش گیرند و از به کرسی قدرت رسانیدن بستگان و دست‌نشانندگان خویش درگذرند که این قدرت در هر حال بر آنان پایدار نخواهد ماند، از فرقه‌گرایی دوری گزینند که فرقه‌ی آنان در رهگذر رویدادهای فردا به آسیب‌های سخت دچار خواهد آمد، از پای‌بندی شدید به اندیشه‌ها و دریافتهای خود و خوار شمردن اندیشه و دریافت دیگر باور‌آوردگان به انقلاب اسلامی ایران بپرهیزند که همه‌ی برداشت‌های واهی ایشان را تندبادهای زمان فرو خواهد پیچید. اینان باید یکبار به پذیرند که سامان بخشیدن به درهم ریختگی‌های کشور به کاردانی‌های خاص نیاز دارد.

بر همه کار بدست‌ان کشور است که به دور از هر بهانه‌جویی، دولتی استوار و دارای برنامه برگزینند و کار سازمان دادن دستگاه اجرایی کشور را بی‌هیچ انحصارگری به آن بسپارند.

هیچ راه دیگری نیست، تنها همین راه است، پدید آوردن دولت با اقتدار و دستگاه اجرایی توانا. اگر در این کار بیش از این درنگ شود، نتیجه‌های تلخ آن گریبان همه مردم و بویژه کاربدستان کنونی کشور را خواهد گرفت.

زادروز مصدق فرخنده باد

موضوع تعیین وزیر جنگ با شاه اختلاف رای و عمل پیدا کرد و دوباره استعفا داد و قوام السلطنه به سمت نخستوزیری انتخاب شد.

استعفا مصدق موجی از خشم در سراسر ایران بر پا کرد و لجاجت دربار و قوام السلطنه و اعلامیه تهدیدآمیز او این خشم را به قیام خونین مردم ایران بدل کرد و پس از نبردی نامساوی که

در یکسو گلوله و آتش و در سوی دیگر جانهای بیقرار آزادگان و مصدقی‌های راستین قرار داشت سرانجام نزدیک به غروب آفتاب سی‌ام تیر ماه ۱۳۳۱ دوران «کشتی‌بان و سیاست دیگرش» به پایان رسید و بار دیگر مصدق با عهدمداری وزارت دفاع و

سرتاسر میهن، نشان داد که فقط در خط اندیشه‌های ایرانی حرکت می‌کند و آشکار ساخت که آزادی و حکومت دموکراسی فقط در چارچوب استقلال جامعه ملی قابل تحقق است. در جریان انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی با عداوتی از یاران خود جبهه ملی ایران را تشکیل داد و مردم تهران با یک مبارزه پی‌گیر او و تنی چند از وابستگان این جبهه را به نمایندگی خود انتخاب کردند.

در نیمه‌های همین دوره مجلس شورای ملی بود که پس از رای، بگونه اولین نماینده انتخاب گردید و مبارزه ناتمام گذشته خود را در این دوره با مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی عامل کودتای

تاریخ ولادت
۲۹ آذر ۱۲۶۱
تاریخ وفات
۲۹ آذر ۱۳۴۴
شماره ملی
۱۳۸۳
در روزنامه «آزادگان» در ۱۲۵۸
در روزنامه «آزادگان» در ۱۳۴۴

۱۳۱۵ خورشیدی در احمدآباد خانه‌نشین شد و در همین سال برای معالجه عازم برلین گردید و پس از یکماه‌اندی به ایران بازگشت و پیش از آن تاب دوری

بشیوه پدرو دیگر اعضای خانواده وی نیز بکار دروزارت مالیه (رئیس اداره کل محاسبات) کشیده شد و در نوسازی ایسن وزارتخانه سنتی قاجار کوششهای فراوان بعمل آورد.

دکتر مصدق در زمان تشکیل جامعه ملل از سوی مبارزان استقلال طلب عازم سوئیس شد و اعتراض ملت ایران را به گوش جهانیان رسانید.

در کابینه بعد از قرارداد به ریاست مشیرالدوله به سمت وزیر دادگستری انتخاب گردید ولی در بازگشت به ایران مردم

روز بیست و نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی، چشمانی به زندگی گشوده شد که بعدها سرنوشت‌ساز میهن و رقم زن تاریخ گردید.

میرزا محمد فرزند میرزا هدایت از کارگزاران امور مالیه تحصیلات ابتدائی را به سبک قدیم در خانه پی‌گیری کرد و در سن هفده سالگی به اسلوب سنتی به استیفای خراسان منصوب شد.

زندگی در زیر و بم رویدادهای خود، از جوان پرشوری که شوق خدمت به مردم در رگهایش می‌جوشید، سربازی مصمم و مشروطه‌خواهی آگاه و رهبری روشن‌بین و سخت‌کوش و انحراف‌ناپذیر ساخت تا با سرسختی، هموطنانش را که زیر سلطه بیگانه و خفقان استبداد به تلخی روزگار می‌گذرانیدند، رهبری کند و آتش مقدسی را بر فرورد که گرمای زندگی بخش آن در رگ‌های خشکیده آسیا و افریقا خون جوشان و تازه بجریان افکند.

در هنگامه مشروطه‌خواهی، میرزا محمدخان همگام دیگر تفرشیها و آشتیانی‌های ساکن تهران جامه رزم پوشید و در زمره «انقلابیون» در آمد و عشق به مشروطیت و احترام به قانون ساسی در سراسر عمر رقم زن حیات سیاسی او گردید. در دوره اول از سوی مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد ولی به دلیل صغر سن نتوانست راهی خانه ملت شود.

میرزا محمدخان در همان سنین، تحصیلات جدید را ادامه میداد و در دوره استبداد صغیر عازم اروپا شد و در مدرسه علوم سیاسی پاریس به تحصیل اشتغال ورزید. بیماری سبب شد که به ایران بازگردد ولی پس از مدتی مجدداً عازم اروپا شد و این بار در شهر نوشاتل (سوئیس) به تحصیل حقوق پرداخت و پس از تمام شدن پژوهشهای علمی با اخذ درجه دکترا به میهن بازگشت و به تدریس در مدرسه لوم سیاسی مشغول گردید.

علاقه به تحقیق و تتبع موجب انتشار چندین کتاب و رساله در ایران و اروپا شد که از آنجمله ۱- دستور محاکم حقوقی ۲- کاپیتولاسیون و ایران ۳- شرکت سهامی ۴- حقوق اسلامی و شیعه ۵- قاعده تسلیم نکردن مقصرین سیاسی.

۶- مسئولیت دولت نسبت به اعمال خلاف کارمندان دولت ۷- حقوق پارلمانی در ایران و اروپا ۸- اصول وقواعد و قوانین مالیه در ایران و اروپا است.

همان‌روزگار فعالیت‌های علمی و سیاسی باعلاوه دهخدا، قزوینی آشنا شد و طرح دوستی ریخت و تا آخرین لحظات حیات هر دو بیکدیگر وفادار باقی ماندند.

دکتر مصدق کتابخانه شخصی خود را بنا کرده حقوق و علوم سیاسی هدیه کرد و در دوره چهاردهم نیز حقوق خود را برای خرید کتاب در اختیار دانشکده مزبور قرارداد.

روشنفکر جوان و مستعد و میهن‌دوست و مشروطه‌خواه مادر فعالیت‌های حزب اعتدالی و پس از آن در گروه دموکرات ضد تشکیلی شرکت جست و در زمره کوشا ترین عناصر ضد قرارداد ۱۹۱۹ درآمد.



پشتیبانی ایثارگونه مردم بمیدان مبارزه وارد شد، مجلس شورای ملی نیز به او اختیار تام داد. کلیه روابط سیاسی دولت مصدق با دولت غاصب و استعماری انگلستان قطع شد. بدنبال ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران شرکت تelfن، شرکت شیلات، بانک شاهی، جنگلهای سراسر کشور، سازمان اتوبوسرانی تهران و شرکت برق نیز ملی اعلام گردید. توطئه نهم اسفند ۱۳۳۱ که هدفش از میان بردن مصدق بود، نافرجام ماند

ولی از آن به بعد دسیسه‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها بصورت گوناگون از چپ و راست بالا گرفت. مصدق برای بی‌اثر کردن توطئه‌های استعمار و سلطه‌گران خارجی و عوامل رنگارنگ داخلی، از مردم

نظرخواهی کرد و منت با شرکت در رفتارندوم به انحلال مجلس رای داد. توطئه‌های مستقیم و غیر مستقیم هر روز شدت بیشتر یافت، توافق قدرتهای بزرگ جهانی علیه منافع ملت ایران افزایش گرفت. عوامل ارتجاع داخلی و سازمان‌های چپ و راست وابسته به بیگانه در یک بقیه در صفحه ششم

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ خورشیدی به نخستوزیری ایران انتخاب گردید. دو اصل استقلال و آزادی چه در این دوره چه در دوره پیش از دیکتاتوری و چه در دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیوسته راهنمای اساسی کردارهای سیاسی پیشوای ملت ایران بشمار می‌رفت. در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ از شرکت استعماری نفت انگلیس خلع ید بعمل آورد. در ۲۳ مهرماه همانسال برای دفاع از حقانیت ایران در شورای امنیت حضور یافت. در اول دیماه برای کمک به دولت در حال مبارزه به انتشار اوراق قرضه ملی مبادرت کرد و از اقبال عمومی برخوردار گردید. مصدق در بهمن ماه فرمان بسته شدن تمام کنسولگریهای انگلیس را صادر کرد، در خرداد ماه ۱۳۳۱ بدیوان داوری لاهه رفت و حقانیت ملت ایران را در مبارزات ضد استعماری نشان داد. در بازگشت به ایران بعلت افتتاح مجلس هفدهم، از پست نخستوزیری استعفا داد و مجلس دوباره او را به سمت نخستوزیری انتخاب کرد ولی بهنگام تشکیل کابینه بر سر

خارجیان آغاز کرد و کلیه اعمال ضدملی و ضدفرهنگی حکومت بیستساله را به باد انتقاد گرفت. در این دوره دکتر مصدق بعنوان مظهر استقلال ملی و بیان‌کننده راستین سیاست موازنه منفی، از محبوبیت بی‌نظیر در تاریخ ایران

از وطن نیامورد. دکتر مصدق دوباره سکونت در احمدآباد را اختیار کرد و در تیر ماه ۱۳۱۹ که به تهران آمده بود توسط ماموران شهربانی مختاری توقیف گردید و پس از چند روز او را به زندان بیرجند

قضیه زندان
در سال ۱۳۱۹ مأمورین شهربانی برای بازداشت من آمدند. چون امر دولت را مطاع می‌دانم فوراً تمکین کردم و انتظار داشتم که اگر گزارشهای خلاف واقعی بر علیه من داده شده رسیدگی و روشن شود ولی بعد از توقف چند روز در زندان مرکزی که معلوم شد اصلاً رسیدگی در کار نیست و مقصودشان آزار من است عاصی شدم و روزی که میخواستند مرا به زندان بیرجند ببرند مقاومت کردم و در اطاق رئیس زندان با اشاره به عکس رضاشاه این شعر را خواندم:
ای زبردست زیر دست آزار گرم تاکی بماند این بازار
از یادبودهای مصدق

برخوردار گردید. در امر دفاع از آذربایجان، محدود کردن اختیارات خارجیان، مخالفت با حضور قوای نظامی بیگانه، ضدیت با مصوبات مجلس مؤسسان دوم و بالاخره مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت در

بردند و در آبانماه همانسال به احمدآباد باز گردانده شد و تا پایان شهریور ۱۳۲۰ در آنجا تحت نظر بود. در گیرودار جنگ جهانی دوم، در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از سوی مردم تهران با بیشترین

آیا هیأت هفت نفری وظیفه خود را بدرستی انجام داد!!

بررسیهای هیئات، دوره دوم رأی گیری را درجوی که بهتر از بار اول نبود، شروع و پایان رساندند. البته جای شگفتی نیست زیرا این دستاورد کاران بخوبی میدانستند که گزارش هیأت هفت نفره هر چه باشد وظیفه آنها چیز دیگری است و در عمل کار خود را در نوزدهم اردی بهشت ماه بانجام رساندند و هیأت هفت نفره هم با عملکرد خود نشان داد که اینجاری بی خاصیت در دست صاحبان قدرت میباشد و به دقت همان کاری را کرد که کارگزاران انتخابات از آنها انتظار داشتند. با کمال تعجب پس از برگزاری دوره دوم انتخابات در نوزدهم اردی بهشت ماه، هیأت مزبور پنج روز بعد در تاریخ بیست و چهارم اردی بهشت ماه نظر خود را در همان زمینه ای که از قبل هم انتظار میرفت اعلام نمود و نشان داد که رسالت خود را برای احقاق حق مردم ایران و حفظ یکی از دست آوردهای انقلاب یعنی آزادی انتخاباتی بانجام نرسانده است و با این عمل بیان نمود که طومارها و تلگرافها اعتراضها تحصن ها، تجمعها و راهپیماییها و حتی آشوبهای مردم همه بی پایه و بیهوده بوده است و با این عمل روی انتخاباتهای رستاخیزی را سپید نمودند.

البته این بار نیز از گوشه و کنار کشور فریاد اعتراض بلند گردیده ولی کارگزاران انتخابات توجیهی به آن نمی کنند و مردم هم نیکم میدانند که با آنچه از بررسی دوره اول عایدشان گردید بررسی دوره دوم نیز نتیجهای بهتر نخواهد داشت. حال باید دید مجلسی که چنین بریده از مردم ایران و از جامعه انقلابی بوجود آمده است آیا قادر خواهد بود نقش سازنده ای در حیات سیاسی ملت ایران داشته باشد.

آیا این مجلس با بافت خاصی که دارا میباشد، میتواند پاسخگوی نیازهای دوران سازندگی انقلاب اسلامی ملت ایران باشد، و آیا این مجلس با ترکیب خود، که ساخته انحصارگران و حاصل دادرسیهای خاص سازشکاران میباشد قادر خواهد بود رسالت تاریخی خود را بانجام رساند، همه اینها، پرسشهایی است که امروز مردم ایران طرح مینمایند و پاسخ آنرا با احتمال زیاد تا چند ماه دیگر، پس از شروع بکار نمودن مجلس دریافت خواهند داشت.

پنهان نماند که نبرد قدرت همچنان ادامه دارد و جناحهایی که بهیچ وجه نمی خواهند اهرمهای قدرت را باسانی از دست دهند برای سهم بیشتر گرفتن، وارد مرحله جدیدی از صف آرایی شده اند، شنیده میشود که برخلاف نص صریح قانون اساسی سرگرم تهیه لایحه های هستند که بر اساس آن نمایندگان مجلس بتوانند به عنوان وزیر نیز در دولت شرکت نمایند و با ترمیم و تغییر دولتها دوباره به کرسی های نمایندگیشان بازگردند و میکوشند که با شرکت دادن نمایندگان در کابینه و حفظ کرسی های نمایندگی از راهیابی «عناصر نامطلوب»!

واز دو بیست و هفتاد نفر نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور نود و هفت نفر آن در دوره اول انتخابات و صد و چهل و پنج نفر آن در دومین دوره انتخابات برگزیده شدند و در بیست و چهار حوزه انتخابیه دیگر بنابه گفته کارگزاران وزارت کشور بعلت نامساعد بودن جو انتخاباتی یا انتخابات اجرا نشد و یا بعلى انتخابات متوقف گردید و بهر حال دو بیست و چهل و دو نفر از دو بیست و هفتاد نفر «نمایندگان ملت» انتخاب گردیدند که اینک در انتظار افتتاح مجلس و تصویب اعتبارنامه خود هستند. بجاست که بررسی فشرده ای از این رویداد و از نگرشهای مردم نسبت به آن بعمل آید.

همه میدانند که مردم از نتیجه انتخابات راضی نیستند، مردم میهن ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بدست آوردن آزادی های فردی و اجتماعی، خواهان استقرار حاکمیت ملی میباشد و بهیچ وجه تزویر و ریاکاریهایی را که نشانی از شیوه های «نظام سلطنتی» ساقط شده داشته باشد، نمی پذیرند.

در ابتدای کار دودورهای بودن انتخابات که برخلاف قانون اساسی انجام گرفت تحمیلی بود ب مردم و سپس چگونگی برگزاری انتخابات و نحوه رأی گیری و شمارش رأی ها که با تخلف و تقلب بسیار همراه بود و در کنار آن سازش های کثیف گروه های انحصارگر و فرصت طلب که خواستار در اختیار داشتن اهرم های قدرت میباشد مانع انجام یک انتخابات آزاد و برقراری حکومت مردم ب مردم گردید.

ملت بپا خواسته ایران که این نوع نیرنگها را در پنجاه سال زندگی سیاسی گذشته اش، بارها مشاهده نموده است، فریاد اعتراض خود را بلند نمود که سرانجام با فشار رئیس جمهور، هیئتی را مامور بررسی نادرستی ها نمودند و در آغاز همه امیدوار شدند که شاید این گره کور گشوده گردد و پرده از تخلفها و تقلبها برداشته شود.

مردم انتظار داشتند، این هیأت روشن نماید، رأی ریختن بناحق در صندوقها تقلب در شمارش و خواندن رأیها، استفاده از جابجایی مردم و گروهها برای رأی دادن، استفاده از شناسنامه مردگان و کودکان، وضع شک انگیز صندوقهای سیار در حوزه های انتخابیه، تبلیغات به نفع نامزدها یا پس از خاتمه قانونی زمان تبلیغات حتی در درون حوزه های رأی گیری و نوشتن رأی برای بیسوادان توسط دلالان انتخاباتی که درون یا بیرون حوزه آزادانه عمل میکردند و سرانجام دهها روش ریاکارانه دیگر، در میان بوده است یا نه و پاسخی شایسته در مقابل وظیفه ای که با آنها داده شده ب مردم بدهند. ولی با کمال تأسف، دیده شد این هیئات نتوانست گزارش خود را قبل از برگزاری دوره دوم رأی گیری اعلام دارد و دستاورد کاران وزارت کشور که به ادعای خود بیقرضانه عمل کرده اند قبل از نتیجه گیری

لزوم ملی کردن ...

با دو کی دستی نخ می رشت تا از آن پارچه به بافت، واز انگلستان پارچه نخرد ولی دست اندر کاران بازار گانی خارجی مسا، درست برعکس، رشته های ملت را پنبه می کنند، و پنبه را به خارج می فرستند، تا قدرت تولید ما هر چه بیشتر آسیب ببیند.

نمونه ای که از پنبه و پارچه بیان گردید، نمونه ساده و همه در این باره می توان بیان داشت و بر طرف کردن این دشواری ها، راهگشای ما به پیشرفتهای اقتصادی است و این پیشرفت در گرو ملی کردن بازار گانی خارجی قرار دارد.

ملی کردن بازار گانی خارجی

برای رها شدن از چنبر عقب ماندگی، سیاست شایسته بازار گانی خارجی یکی از اصلی ترین گذرگاهها می باشد و ملی کردن بازار گانی خارجی به معنای آن است که فرستادن یا آوردن یک کالا در چهار چوب تنگ سود و زیان همان کالای خاص سنجیده نشود. هر کالا به گونه ای سندی بر بیان چگونگی اقتصاد ملی باید در نظر گرفته شود. اگر پنبه ای که در داخل کشور

به کابینه جلوگیری نمایند و تا می شود شمارنخبگان حاکم و دولتمردان صاحب قدرت را در حکومت، محدود به همدستان خود نگاهدارند. البته تصویب چنین قانونی که شواهد زیاد نیز در سیستم های پارلمانتاریسم بعضی از کشورهای غربی در گذشته وجود داشته است دور از تصور نیست، چه آنکه دو دورهای کردن انتخابات مجلس نیز از جمله شیوه هایی است که در دموکراسیهای غربی برای بیرون راندن اکثریت مردم از صحنه سیاست و سر نوشت ملت طرح ریزی میگردد و است و در این جا چنین قانونهایی بنام دفاع از دست آوردهای انقلاب در راه هدفهای خود بکار گرفته و بخورد ملت میدهند.

بهر تقدیر، سیمای آینده مجلس شورای ملی با وجود اظهارات دست ندر کاران اصلی که گفته اند «ترکیب واقعی مجلس دوسه ماه پس از شروع کار مجلس مشخص میشود و فعلاً اکثریتی که با هم ارتباط فکری ندارند بمجلس راه یافته اند و بخصوص اظهار رضایتی که در مورد کیفیت انتخابات در ایران به نسبت امکانات و شرایط بعمل آورده اند»؛ همچنین توجه بسایر بررسی های ابتدائی نشان میدهد که نبرد قدرت ها خاتمه نیافته و دشواریها به این آسانی حل شدنی نمیباشد. البته چهره های اندک شماری که دارای پایگاه مردمی میباشد و مجلس راه یسافتماند و وظیفه و نقش بسیار ارزنده و بسنده سازی را بعهده خواهند داشت، آنها وظیفه دارند که نقش تاریخی خود را به بهترین صورت انجام دهند. ناگفته نماند تاریخ میهن مانشان میدهد که در مجلسهایی چنین بریده از مردم نیز توانسته اند چهره های مردمی نقش سازنده خود را بطور صحیح بانجام رسانند و در پیشبرد خواست های ملی سودمند باشند. نمونه زنده مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم میباشد که مصدق پیشوای ملت با اطلاع از تخلفها و تقلبها و دخالت هایی که در انتخابات شده بود و پیش از تشکیل مجلس اعتراض و تقاضای ابطال آن را داشت ولی همین مجلس فرمایشی در مقابل اقلیت کوچکی که نمایندگان واقعی مردم بودند عاقبت نقب نشینی نموده و رأی به ملی شدن صنعت نفت و نخست وزیری مصدق دارد.

امروز نیز ملت ایران به انگشت شمار کسانی که میتوانند نقش سرنوشت ساز در این مجلس داشته باشند چشم امید بسته است. از طرفی مردم میخواهند اینک که با افتتاح مجلس شورایی ملی، شورای انقلاب، کار خود را پایان میدهد، عملکرد پانزده ماهه خویش را گزارش کند و روشن نماید ارثی که برای نمایندگان مجلس، میگذارد علاوه بر آنچه که همگان میدانند چه چیز دیگری نیز در بردارد، زیرا این انتقال مسئولیت از شورای انقلاب به مجلس شورایی ملی باید به گونه ای صورت پذیرد که به آگاهی مردم از هر آنچه تاکنون گذشته است بیانجامد. بگونه ای که فرد فرد نمایندگان، نه فقط دست اندر کاران، با داشتن اطلاعات کافی از اوضاع و احوال کشور و شناسائی تنگناها در هر مورد قدرت اندیشیدن و تصمیم گیری داشته باشند، نه اینکه مجلس بصورت ابزاری در دست عده ای که اهرم های قدرت را در دست دارند درمی آید.

و بازار گانی خارجی راهگشای توسعه اقتصادی کشور گردد. سیاست بازار گانی خارجی، در متن برنامه عمومی پیشرفت اقتصادی کشور تنظیم و اجراء شود.

وزارت بازار گانی باید از قانسنگ بازار گانی کاسبکارانه به در آید، و توانائی های علمی و فکری شایسته ای در این راه بسپارد، و با دید وسیع و همه جانبه و با دورنگری بسیار، اصل ملی شدن بازار گانی خارجی کشور را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیش بینی شده هر چه زودتر اجرا کند.

بازار گانی خارجی ایران به برخوردی انقلابی نیاز دارد و وارد کردن یا فرستادن هر کالا باید در رابطه با رشد اقتصادی سنجیده شود.

ملی شدن بازار گانی خارجی هرگز تنها به معنای آن نیست که وزارت بازار گانی جانشین بازار گان وارد کننده شود و عمل بی هنرانه گشایش اعتبار و سفارش کالا را صورت دهد.

ملی شدن بازار گانی خارجی به معنای آن است که آگاهیها توانائی های سیاسی و اداری کشور در جهت جنگ انداختن به بازارهای جهانی به حرکت در آید

آگاهی ضروراث

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای دکتر سعید اشتری وکیل دادگستری بوکالت از خانم توران بوذرجمهری بشرح دادخواست کلاس ۵۸/۳۵-۱۳۱۸ این شعبه توضیح داده شادروان عبدالله دولتشاهی به شناسنامه ۱۳۹۷۸ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۲ در گذشته وراثت حسین الفتوت آن مرحوم عبارتند از تهران عیال دائمی متوفی ۲- بهمن به شناسنامه ۱۷۵ صادره از تهران ۳- محمد بهرام شناسنامه ۱۵۶ صادره از تهران ۴- محمد بهرام شناسنامه ۹۷۳ صادره از تهران ۵- ناز ۶- بهروره به شناسنامه ۷۹۷

صادره از تهران دختران متوفی شهرت همگی دولتشاهی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکم مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگاهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگاهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد اجراء شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

می گرفت ولی در کشورهای جهان سوم کار دگر گونه است، و بازار گان ایرانی و مصری و اندونزیایی، سود حاصل از بازار گانی خود را در کشورش بکار نمی اندازد، به انگلستان می برد. میزان پولی که به طور نمان از کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی برده می شود، بیش از پولی است که آشکارا از کشورهای صنعتی به جهان سوم جریان می یابد و بازار گانی خارجی در جهان سوم، وسیله مکیدن مصرف کننده و انتقال دارائیهای ملی به کشورهای سرمایه داری صنعتی است.

بازار گانی در جهان سوم، نباید رو به سوی گرد آوردن سود داشته باشد، رسالت اصلی بازار گانی خارجی در جهان سوم، پدید آوردن تحرک در حیات اقتصادی و بهره گیری از بازار جهانی است.

وارد کردن کالا و فروش آن به بهایی پرسود، کاری است در خدمت کشورهای صنعتی، باید بازار گانی ایران را از خدمتگزاری کشورهای سرمایه داری رهایی داد و آنرا در خدمت رشد اقتصاد ملی ایران در آورد.

راه بردن بازار گانی خارجی بر اساس آنچه گفته شد از طریق شیوه های کلاسیک همچون تدبیرهای گمرکی یا ارزی میسر نیست.

دولتهای بزرگ صنعتی غرب، از این راه نرفته اند و کامیاب هم بوده اند.

پاسخ ما چنین است: نخستین دلیل آنکه ایشان در زمانی به بازار جهانی راه یافتند که قاره های بزرگ آسیا و افریقا بی مانع در اختیار آنان بود، و تا می توانستند کالا تولید می کردند و بر قدرت تولید خود می افزودند تا در بازارهای چنان گشاده و چنان پر برکت فرآورده های خود را بفروشد و اقتصاد خود را رونق دهند. دومین دلیل، آنکه ایشان از فروش کالاهای ساخته شده آغاز کردند، و آن کالاها را به خارج فرستادند قدرت تولید آنها بسیار بود، و آن کالاها را از خارج آوردند که قدرت تولیدشان اندک بود، یعنی کم دادند و زیاد گرفتند، تا ثروتمند شدند.

سومین دلیل، آنکه بر اساس ساخت تاریخی، سود حاصل از بازار گانی خارجی، مانند هر سود دیگر به کشور باز می گشت، به سرمایه تبدیل می شد و در کشور به کار می افتاد و گرچه این روند، ثروت و رفاه گروه های اجتماعی را بسیار بسیار متفاوت می داشت ولی در جمع بر قدرت تولید و توانائی اقتصاد کشور می افزود. بازار گان انگلیسی، سود حاصل از بازار گانی خود را به انگلستان می برد و در انگلستان به کار

نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز وار کنید

لزوم ملی کردن بازرگانی خارجی

بازرگانی خارجی باید در خدمت

رشد و توسعه اقتصادی، رفاه

همگانی، درآمد

بازرگانی خارجی از اصلی ترین گذرگاههای حیات اقتصادی است، کمترین سستی یا اشتباه در راهبری بازرگانی خارجی سرچشمه نابسامانی اجتماعی و هدر رفتن منابع و از هم پاشیدگی قدرت تولیدی ملی و سرانجام ریزش و متلاشی شدن حیات اقتصادی است. کج روی در بازرگانی خارجی نه تنها زیانهای اقتصادی و اجتماعی هولناک به بار می آورد که پیرایشانی های سیاسی و آسیب پذیری استقلال ملی و کاستی گرفتن مقام جهانی کشور را بی گفتگو به دنبال دارد. اجرای برنامه درست توسعه اقتصادی و همواری نظام تولید و مصرف و رشد متعادل حیات ملی و استواری جایگاه جهانی هر کشور در گرو سیاست شایسته بازرگانی خارجی است.

بازرگانی خارجی چشمه زاینده ثروت برای چند خانواده نیست. هرگونه برخورد سودجویانه با بازرگانی خارجی، ضربه ای است جانگذاز بر سلامت ملی. هیچ شخص یا گروه خاص حق ندارند در بازرگانی خارجی سودی برای خویش جستجو کنند.

بازرگانی خارجی پیچیده تر و با اهمیت تر از آن است که به عنوان «کاسی» سودآور چند نفر و یا چند شرکت خصوصی شناخته شود.

پیامدهای فراوان و گوناگون و پدیده های بازرگانی خارجی ناچار، آن را از حیطة تصمیم های فردی و منافع شخصی خارج میسازد. بازرگانی خارجی یک رهبر و یک زمینه و یک هدف دارد و بس، آنهم نیاز و سود ملی است.

بازرگانی خارجی، سوداگری نیست، تیغ نیست، ذوق ورزی نیست، حتی شغل و حرفه و پیشه هم نیست بازرگانی خارجی، یکی از عناصر اصلی تعیین کننده سرنوشت کشور و سرنوشت نسلها است، در به سامان داشتن آن هر کوشش روا است.

از آنجا که انقلاب اسلامی ملت ایران در جستجوی استقلال و نوابستگی است و از آنجا که استقلال جز با استقلال اقتصادی فراهم نمی آید. و از آنجا که استقلال اقتصادی در لایه های پیچیده های بازرگانی خارجی نهفته است:

فراهم آوردن بازرگانی خارجی شایسته، یکی از اساسی ترین معناها و یکی از پدیدارترین خواسته های انقلاب است و لازم بود پس از پیروزی انقلاب، بی درنگ بازرگانی خارجی به نظم لازم کشیده شود. ولی در اجرای این خواسته،

بی اعتمادی به خویش دارد. گستردن این حالت در طول زمان، به طور کامل و دقیق به معنای پناه بردن به اقتصادی معیشتی است.

اکتفا به خودبستگی یادبازاری تنگ به تلاش داشتن قدرت تولید است. شیوه های پیشرفته تولید را نمی توان برای تولید کم به خدمت گرفت. شیوه های پیشرفته تولید، ناگزیر از تولید بسیار است. و تولید بسیار به بازار گسترده نیاز دارد. راه بستن پر گسترش بازار به معنای به زنجیر کشیدن قدرت تولید است. اکتفا به خودبستگی گونه ای خفه کردن قدرت تولید است و به معنای جلوگیری از سرشاری حیات و تحرک ملی است.

خودبستگی، از قابلیت اجرایی چندانی هم برخوردار نیست. آنگاه که اقتصاد به حرکت در آمد، به بازار جهانی نیاز پیدا می کند، و هرچه اقتصاد سریعتر حرکت کند و بیشتر قدرت بیابد، نیازش به بازار جهانی بیشتر می شود. و داد و ستد جهانی امروز در میان خود کشورهای پیشرفته بیشتر است تا میان آنها و کشورهای جهان سوم. داد و ستد کشورهای پیشرفته در بین خود، بیش از هفتاد درصد بازرگانی جهانی را در بر می گیرد و سایر کشورهای جهان فقط حدود سی درصد بازرگانی جهانی را انجام می دهند. سهم کشورهای جهان سوم از بازرگانی جهانی از آنرو ناچیز است که قدرت تولید و توانائی اقتصادی آنها ناچیز است، بارش یافتن قدرت تولید، در گیری با بازار جهانی اجتناب ناپذیر می شود و علاوه بر آن، یکی از انگیزه های رشد قدرت اقتصادی در گیری با بازار جهانی است.

تجربه چین، بسیار آموزنده و گرانبها است، کشور بزرگ و پر جمعیت چین که از بازاری بی نظیر برخوردار می باشد و می پنداشت که با تکیه به بازار گسترده داخلی خود، بی نیاز و بی ارتباط با بازار جهانی می تواند زمینه رشد سریع اقتصادی خود را فراهم آورد، بعد از دست کم بیست سال تلاش بسیار کم حاصل روش خود را راسا یافت و به دگرگونی آن همت گماشت.

کشورهای اروپای شرقی، پس از آنکه سالها در برابر بازار جهانی، شانه بالا می انداختند و پوزخند می زدند، سرانجام خود را ناگزیر از درگیری گسترده با آن دیدند و در زمان حاضر، چهل و هشت میلیارد دلار اعتباری که دور ماندن بازار دریافت داشته اند، جهانی، به معنای آزمایش نکردن قدرت کارایی و بازدهی ملی است و اکتفا به خودبستگی، قرار کردن از گزور اقتصاد جهانی و ره شدن از سرنگین افزایش بازدهی و کارایی است. اکتفا به خودبستگی، حوله ای ز روح عتکاف شرقی است و حکایت رتوانی و

داخلی بود، و بهمین منظور بیش از هشتاد کشور آفریدند که جمعیت هر کدام آنها از شش میلیون نفر کمتر است و چون کشوری با بازار تنگ شش میلیون نفری قادر به در هم شکستن مرزهای عقب ماندگی نیست، ناگزیر سلطه فائقه کشورهای صنعتی بر اقتصاد جهانی باقی می ماند، چنانکه مانده است.

اکتفا به خودبستگی نه لازم است، نه مفید است و نه عملی، هر کشور که آهنگ حرکت شتابان اقتصادی دارد ناگزیر باید برنامه حرکت خود را چنان تنظیم کند که در بازار جهانی، جایی برای خود تدارک بیند. بازار جهانی، میراث سر به مهر هیچ کشور خاصی نیست. بازار جهانی زمینه رشد و توسعه همه کشورهای است. همه کشورهای حق دارند و باید در بازار جهانی دستی و صدائی داشته باشند. دوری جستن از بازار جهانی، ناشی از نشناختن طبع این بازار، ناشی از جهل عمومی به حیات جامعه های بشری و سیر تاریخ، و ناشی از ادراک ضعف و بی مقدار شمردن خویش است.

ایران توانائیها و امکان های بسیار دارد و می باید با طرح برنامه های شایسته، در بازار جهانی به تلاش پردازد و سهم و حق خود را از این بازار وصول کند. اگر در زمینه استراتژی اقتصادی، به لحاظ جلوه های سیاسی و روانی، لازم باشد دریکی دو محصول، مانند گندم و گوشت به حد خودبستگی رسید، سخنی است و لسی این سخن را با سیاست درست و فراگیر بازرگانی خارجی اشتباه نباید کرد، و ضرورت دارد که به موج های بازار جهانی در آویخت و از هم اکنون خود را به رویارویی با آن، آماده ساخت.

تقسیم بین المللی کار

اگر قرار است که در بازار جهانی دست به تکاپو زد، باید این بازار و خصلت های آن را شناخت و از روند آتی آن آگاهی کامل یافت.

بازار جهانی بر نوعی تقسیم بین المللی کار استوار شده است، این پدیده را نباید پذیرفت و از آن نباید پیروی کرد.

تقسیم کار، آیا یک فرشته رحمت است، یا یک عفریت فلاکت؟

گفتگویی است بسیار سنگین و فلسفی و تاریخی، که در اینجا به آن نمی توان پرداخت ولی بی تردید، تقسیم کار در فضای داخلی کشورها، نوعی گسیختگی روانی و نوعی پایهای ستم اجتماعی را فراهم آورده است و در همان حال بر توانائی تولید هم افزوده است. تقسیم کار در مراحل از پیشرفت بشری، شیوه ای اجتناب ناپذیر است، که با همه تلخی هایش، باید آن را پذیرفت و به کار گرفت. ولی در فضای اقتصاد بین المللی، قبول تقسیم بین المللی کار، برای

کشورهای جهان سوم، مصیبتی است فاجعه آمیز.

طرح اقتصاد جهانی کشورهای صاحب سلطه، بر اساس تقسیم بین المللی کار استوار است. بر اساس این طرح، هر کشور باید به تولید و عرضه کالاهایی بپردازد که در تولید آنها از بیشترین امکان بهره مند است، بر اساس این طرح، بنگلادش باید کف و کتان صادر کند، سوئیس ساعت و ژاپن دوربین عکاسی و سوئد اسباب رادیو پلوژی. معاوضه کف و کتان با دوربین و ساعت و وسائل دقیق طبی به معنای به باد فسادادن نیروی کار مردم بنگلادش است.

در ذات کالاها، خصلتی نهفته است که به قدرت تولید آن کالا تعبیر می شود و قدرت تولید در کف یا پنبه چند صد برابر کمتر از دوربین و ساعت است. معاوضه پنبه با دوربین به معنای، دادن چند صد ساعت کار مردم کشور در برابر یک ساعت کار مردم کشور صادر کننده دوربین است.

وقتی وزارت بازرگانی ما، باغوروز از صدور پنبه سخن می گوید، و ضلای بر سر صد عیب نهانی می پوشد، عیبهایی که پوشیدنی نیست. تمامی پنبه صادراتی ما قدرت خرید دو هواپیما را ندارد و فروش پنبه و خریدن هواپیما یا دارو، یا اسبابهای پزشکی، یا وسیله های نقلیه و مانند آنها به معنای آن است که نتیجه کار سالانه دهها هزار کشاورز پنبه کار ایرانی بابتیجه کار چند هفته چند صد کارگر خارجی مبادله گردد و صادر کردن پنبه و قالی که مهمترین کالاهای صادراتی ما غیر از نفت است فاجعه عظیم اقتصادی و انسانی است. این معنای تقسیم بین المللی کار است و این اصلی ترین مکنده اقتصادی سرمایه داری غالب و مسلط است و سرمایه داری پیشرفته صنعتی، با فرستادن فرآورده های خود که قدرتی تولید آنها زیاد است و خریداری فرآورده هایی که قدرت تولید آنها کم است، یک مکنده قوی بر روی ظرفیت اقتصادی جهان سوم سوار کرده است و قرنها است که این مکنده به طور دائم و بی وقفه، قدرت تولیدی کشورهای جهان سوم را می مکد و به سرزمینهای صنعتی پیشرفته تحویل می دهد.

هیچ رمز اساسی دیگری در کار نیست و رمز اصلی رشد اقتصادی سریع و همه جانبه غرب، همین تقسیم بین المللی کار است، که مکانیزم اصلی بازار جهانی است. ایران باید در بازار جهانی با قاطعیت وارد شود و بسا بهره گیری از امکانهایی که دارد، مکانیزم اصلی آن را به خدمت خود بگیرد.

تقسیم کار در داخل جوامع ملی، به پدید آوردن گروههای بسیار نابرابر انجامیده است و تقسیم کار در سطح بین المللی هم چنین نتیجه ای به بار آورده است و باز هم به بار خواهد آورد، باید از این روند پرهیز کرد، باید این روند تقسیم بین المللی کار را به اقتصاد ملی راه نداد.

وزارت بازرگانی ما در سال گذشته، پنبه صادر و پارچه وارد

کرده است. فلاکت اقتصادی واجتماعی یعنی همین، در حالی که چند صد هزار دیپلمه بی کار در کشور بزرگترین هراس سیاسی واجتماعی را می توانستیم کنار گاهای ریسندگی و بافندگی خود را تجهیز کنیم، و همه پنبه خود را به پارچه بدل سازیم. و آنگاه پارچه صادر کنیم یا از وارد کردن آن بی نیاز شویم.

سیاست درست بازرگانی خارجی، آن است که قدرت تولید فرآورده های گوناگون را بشناسد و آن کالاها را که قدرت تولیدشان بالا است تولید و صادر کند و آن کالاها را که قدرت تولیدشان کم است خریداری و وارد سازد و با دست کم آغاز بدین کار نماید.

بازرگانی خارجی راهگشای توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی انگلستان با صادر کردن پارچه وارد کردن پنبه آغاز شد و مایه گرفت. به طور دقیق صنایع نساجی انگلیس از ۱۸۱۹ تا زمان حاضر جز در زمان جنگ رشدی بی وقفه داشته است، صادر کردن پارچه، راه انگلستان را برای رسیدن به توسعه اقتصادی هموار کرده.

غیر از انگلستان، نمونه های دیگری هم در این زمینه می توان ارائه داد، سوئد، دانمارک، هلند، سوئیس، بلژیک و لوکزامبورگ از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز به فرستادن کالاهایی با قدرت تولید بالا کردند و به دوشیدن بازار جهانی پرداختند. سخن از آمریکا و سایر کشورهای با اقتدار صنعتی در میان نمی باشد، چه وضع و موقع آنها در بازار جهانی حدیثی است مکرر.

در مرحله های نخستین و پائین رشد اقتصادی پرداختن به بازار جهانی ناگزیر، و قانون کلی در این باره چنین است: در مرحله های اولیه رشد، همبستگی بازرگانی خارجی با درآمد ملی، فزونی می گیرد. ولی در مرحله های بالاتر، به دلیل آنکه برای بسیاری از کالاهای وارداتی، جانشین تهیه می شود. میزان این همبستگی کمتر می شود. پدید آوردن تغییر در نوع تولید، که سر آغاز حرکت اقتصادی می باشد، ناگزیر از چنگ انداختن به بازارهای جهانی است.

نیروی انسانی ما، ورزیده است، یا به سرعت می توانی توان آموزشهای لازم را به آن داد. برای وارد کردن هر گونه کالای سرمایه ای ارز کافی و ماده اولیه هم دست کم نفت و پنبه، وجود دارد، پس چرا باید که نیروی انسانی کشور بی کار گذارده شود. و از در بانکهای خارجی راکد بماند.

گاندی رهبر بزرگ هند، بدرستی دریافته بود که قدرت انگلستان در صدور پارچه نهفته است و برای از میان برداشتن آن بقیه در صفحه چهارم

ملی کردن بازرگانی خارجی را باز پس نیاندازید

زندانه‌های انگلیس دیگر جاندارد.

آقای وایت لایویر کشور انگلیس از دادرسان و بازپرسان این کشور خواسته است در صدور احکام و قرار بازداشت زیاد روی نکلند و از تعیین زندان بلندمدت تا آنجا که ممکن است بپرهیزند. زیرا زندانه‌های انگلیس دیگر جا ندارد. ایشان به فکر تنظیم و پیشنهادهای لایحه‌ای هستند که به موجب آن مدت زندان بسیاری از محکومان بخشوده شود یا به حال تعلیق درآید.

در ماه آوریل شمار زندانیان انگلیس به چهار هزار نفر رسید که بسیار زیاد نگرانی آور است. دولت انگلیس میخواهد مجازاتهای دیگری را جانسین زندان سازد و تا آنجا که بتواند از بازداشت اشخاص به لحاظ جرم‌های کوچک از قبیل تظاهرات مستانه و زودخورد پرهیز کند ولی با همه این تدبیرها باز هم به نظر میرسد که ساختمان زندانه‌های تازه اجتناب ناپذیر باشد. سیاست قضائی دولت را هم در این شعار خلاصه کرده‌اند. زندانی کمتر، مدت زندان کوتاهتر.

بسیار بجاست که وزارت دادگستری ایران هم گزارش روشنی از وضع زندانه‌های کشور و شمار زندانیان و گناهان ایشان منتشر کند.

یک خبر بسیار شنیدنی مزدوران آمریکا در ایران

هجوم نافرجام آمریکا به ایران، هنوز مورد بحث و گفتگو است و تا مدتها هم چنین خواهد بود. در میان انبوه خبرهای گوناگون و ناسازگاری که درباره این هجوم فرا میرسد شنیدنی‌ترین خبر این است.

رادویو فرانسیسکو به نقل از منابع بسیار موثق اطلاعاتی آمریکا خبر داده است که چنانچه کوماندوهای حمله کننده به تهران و به محل نگهداری گروهانها هم می‌رسیدند کاری از پیش نمی‌بردند، زیرا پیشرفت کار ایشان موقوف به همکاری مزدوران آمریکا در تهران بود. و این مزدوران به اربابان خود در همان زمان خبر داده بودند که از همکاری با کوماندوها معذورند اینان از دو عامل شکایت داشته‌اند یکی کمی دستمزد و دیگر اینکه برای بیرون بردن آنان از مهلکه هیچ پیش‌بینی نشده بود. این خبر رادیو

سافراسیسکو با توجه به همه شرایط و عملکردها بسیار درست می‌نماید. به ویژه آنکه اکنون میدانیم تصمیم به قطع عملیات قبل از تصادف هواپیماها گرفته شده است. و تنها دلیلی که بک ویت فرمانده کوماندوها برای قطع عملیات بیان کرده کمبود هلیکوپترهای آماده به کار بوده است. بکویت به شش هلیکوپتر احتیاج داشته در حالی که فقط پنج هلیکوپتر در اختیار داشته است. آنچه از همه گفتگوها و خبرها و صدور فرمان ناگهانی قطع عملیات برمیآید آن است. که مزدوران ایرانی آمریکا، همکاری خود را موقوف به آن کرده‌اند که وسیله خروجشان از ایران همیای گروهانها فراهم باشد. و چون چنین وسیله‌ای فراهم نبوده، مزدوران هم از همکاری دریغ کرده‌اند و به ناچار دستور قطع عملیات صادر شده است.

در حال قطع عملیات به لحاظ همکاری و وحشت مزدوران باشد یا به هر دلیل دیگر. بدیختی آمریکا به آنجا کشیده که مزدوران و تبه‌کاران هم برایش ناز میکنند و آمریکا هنوز هم امید خود را به اینگونه درماندگان و آزمندان بسته است.

چوتیره شود مرد را روزگار

۲- در انگلیس بازار کتاب و روزنامه کساد است.

مردم انگلیس کمتر کتاب و روزنامه و مجله می‌خوانند. و انتظار میرود که امسال دست کم پنج درصد از جمع فروش هر گونه نشریه چاپی کاسته شود. این نتیجه‌ای است که کارشناسان اقتصادی دانشگاه کمبریج پس از رسیدگی به چگونگی چاپ و فروش نشریه‌های چاپی در سال جاری به این شرح کاهش خواهد داشت. کتاب ۸٪ درصد مجله و مانند آن ۶٪ درصد روزنامه ۱۷٪ درصد. این گروه پیش‌بینی میکنند که در سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ ممکن است وضع نشریه‌های چاپی بهتر شود. کارشناسان علت پدید آمدن این رکود فرهنگی را کساد عمومی اقتصادی میدانند.

بسیار بجا است که در ایران هم وزارت ارشاد ملی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی با کمک گرفتن از سازمان برنامه و بودجه به چگونگی تولید و فروش نشریه‌های چاپی رسیدگی و اعلام کنند.

نکته‌هایی از دیروز تا امروز

موضع دشوار کوبا در مسئله افغانستان

فیدل کاسترو به وسیله وزیر خارجه کوبا پیامی برای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور ایران فرستاده است. از این پیام به آشکارا چنین برمی‌آید که رئیس کشور کوبا از دخالت نظامی شوروی در افغانستان نگران است. کاسترو ریاست ادواری این دوره نهضت کشورهای غیرمتعهد را برعهده دارد و این دخالت، او را در وضع دشوارتری قرار میدهد.

کاسترو در پیام خود رویدادهای افغانستان را باعث سستی نهضت کشورهای غیر متعهد تلقی کرده هرگونه لطمه زدن به این کشورها را موجب کم اثر کردن نقش جهانی آنان دانسته است. فیدل کاسترو در سال ۱۹۶۸ از مداخله نظامی شوروی در چکسلواکی جانبداری کرده بود اما اینبار اشتغال افغانستان را تایید نمی‌نماید. برخی دیگر از مفسران بر این عقیده‌اند که کوبا به اشاره مسکو حرکتی برای دست یافتن به یک راه حل سیاسی در مسئله افغانستان آغاز کرده است.

از آنجا که افغانستان و پاکستان هر دو در زمره کشورهای غیرمتعهد میباشند شاید پشتیبانی نکردن رئیس ادواری ۹۵ کشور غیرمتعهد حتی بطور غیر مستقیم از دخالت نظامی افغانستان برای نمایش استقلال رای رهبر کوبا است. لازم به یادآوری است که به دنبال هجوم نیروهای شوروی به کابل، کاسترو بارها در سخنرانیهایش به «حق ملت‌ها به حاکمیت ملی» اشاره کرده است که در لافاه انتقاد غیرمستقیمی از سیاست مسکو در افغانستان تلقی میگردد.

اخبار داخلی - از روزنامه اطلاعات

شماره ۶۱۳۶ به تاریخ پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹

۱- رهبر نیروهای مهاجمین مسلح در او راسانات کشته شد.

۲- دادگاههای انقلاب اسلامی اصفهان به حال تعطیل درآمد.

۳- ادامه اخراج ایرانیان از عراق

۴- گروهی از مردم کرمانشاه در فرمانداری متحصن شدند.

۵- تشییع جنازه شهید.

۶- متهم به جاسوسی برای حکومت بعث عراق و چهار قاچاقچی در کرمانشاه محکوم به حبس ابد شدند.

۷- رسیدگی به پرونده بزرگترین سرمایه‌دار

۸- انتخابات در پناه متوقف شد.

۹- حمله مهاجمان مسلح

۱۰- اطلاعیه وزارت کشور در مورد ابوالفضل قاسمی

۱۱- پشتکوه به سمنان ملحق شد

وسرانجام آخرین خبر صفحه اطلاعیه حزب جمهوری اسلامی درباره انتخابات که با این جمله پایان مییابد

«توطئه‌ها را خنثی نمائید» آن هم در روزی که تبلیغات انتخاباتی به دستور مقام‌های قانونی منع شده است.

راستی مجموع این خبرها چه روحیه‌ای در خواننده پدید می‌آورد و راستی کار به دستانی که حاصل کارشان این خبرها است در پیشگاه تاریخ مسئول نیستند.

شمار بیکاران در آمریکا افزایش مییابد

بر طبق گزارش وزارت کار آمریکا در ماه آوریل گذشته ۸۲۵۰۰۰ نفر بر بیکاران آمریکا افزوده شده و شمار همه بیکاران را به ۷/۳۰۰/۰۰۰ نفر رسانیده است. بیکاری همه گروهها را از زن و مرد سیاه و سفید، تمام وقت و نیمه وقت فرا گرفته است. بیشترین بخش بیکاری ناشی از صنایع اتومبیل‌سازی و صنایع ساختمانی است. در صنایع اتومبیل‌سازی از هر پنج کارگر یک نفر برکنار شده است. گسترش بیکاری در ماه پیشین چنان بوده که در سی سال گذشته مانند نداشته است. امریکا نه فقط در سیاست خارجی خود که در سیاست‌های داخلی هم درمانده است.

همکاریهای امنیتی

امیر نائف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی به تازگی در شهر ریاض با آقای ژاک سولیه رئیس پلیس فرانسه ملاقات کرده است و در این دیدار «همکاریهای فرانسه و عربستان سعودی در زمینه امنیت داخلی و چشم‌انداز تحکیم این همکاریها در آینده مورد مذاکره قرار گرفته است.

پدید آمدن این گفتگو و همکاریهایی که به دنبال می‌آورد ناشی از رویدادهای سال گذشته مکه معظمه است. ولی همه این آقایان هنوز باور ندارند که با تسبیرهای پلیسی، نهضت ملتها را نمی‌توان سرکوب کرد.

رولزرویس در گرداب دشواریها

شرکت رولزرویس که در ساخت موتور هواپیما شهرت دارد اعلام داشت که در سال گذشته بیش از ۵۸ میلیون پوند استرلینگ زیان کرده است. این شرکت برای اینکه بتواند تعهدهای خود را ادا کند در سال جاری باید ۱۸۰ میلیون پوند از دولت کمک بگیرد. این شرکت در سال پیشتر از ۱۱ میلیون پوند سود داشته است، و رقم زیان سال گذشته در مقایسه با درآمد سال پیشتر تعجب‌انگیز است.

آقای فرانک علت زیان حیرت‌آور این شرکت را در سال گذشته، تنزل شدید ارزش دلار اعلام کرده و گفته است، از آنجا که بیشتر خریداران ما شرکتهای آمریکائی هستند و به طور طبیعی بهای کالای خریداری شده را به دلار پرداخت کرده‌اند و چون ارزش دلار در سال گذشته همواره در تنزل بوده، شرکت رولزرویس به این زیان چشمگیر دچار آمده است. آقای فرانک از پیش‌بینی آینده دلار خودداری کرد.

از امریکا چه کسی زیان ندیده است

زادروز مصدق فرخنده باد

سیاسی ایران را که بر بنیادهای فرهنگی و مبارزاتی ملت ما مبتنی است پیشنهاد کرد. بزبان دیگر درهای جبهه ملی ایران را بروی همه گروهها و سازمانهای سیاسی که استقلال و آزادی ایران را طالبند بازگردانید.

خط قرار گرفتند و سازمان جاسوسی (سیا) بدستکاری همین عناصر ضد ملی رهبری کودتا را بعهده گرفت که یکبار در ۲۵ مرداد ماه بی نتیجه ماند ولی چند روز بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دیو شوم استعمار حکومت ملی مصدق را ساقط کرد.

بدنبال سقوط حکومت ملی، دکتر مصدق در دادگاه نظامی استعمار ساخته محاکمه و به سه سال زندان محکوم گردید. در مرداد ماه سال ۱۳۳۵ خورشیدی، پس از آزادی از زندان به احمدآباد تبعید شد و بدنبال صحنه‌سازیهای عده‌ای اوباش و چاقوکش که از سوی دولت کودتا اعزام شده بودند با گسیل یک گروهان ژاندارمری و استقرار آن در قلعه احمدآباد تا پایان عمر از دیدار و گفتگو با مردم عادی محروم گشت. دکتر مصدق تا آخرین روزهای عمر نگران اوضاع ایران زمین بود و در دوره دوم مبارزات جبهه ملی از راهنمائی‌های لازم دریغ نورزید و طرح واقعی‌ترین سازمان

مصدق آن دلیل راه آن معیار پاک و آزادی‌گسی، آن رقم زن سیاست موازنه منفی و پیشوای نهضتهای ضداستعماری شرق در تمام دوران زندگی در خط مستقیم و بی‌تزلزل استقلال و آزادی پی‌گیری بی‌امان، مبارزه کرد و از جوانی تا مرگ زید دقیق‌ترین ذره‌بین‌های تردید، کوچکترین انحرافی از این خط ترسیم شده در زندگی شمیرخش او نمی‌توان یافت. مصدق پیوسته با مردم، در میان مردم و همچون مردم زیست و لحظه‌ای از اندیشه مردمی که بخاطرشان درفش نبرد را کاوه سان بر دوش کشید جداماند، خاطره این خرد همیشه بیدار، این پیر طریقت، جاودانه گرمی باد.

اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه فهرست برداری از خانوار تهران

جهت شناخت ترکیب جمعیت تهران بزرگ از تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۳

پرسشگران وزارت کار و امور اجتماعی که دارای کارت شناسائی هستند برای

تکمیل فهرست برداری از خانوارها بمنازل و موسسات

مراجعه مینمایند

از همشهریان محترم درخواست همکاری با پرسشگران را مینمائیم

قهرمانان ایران را از شرکت در المپیک مسکو محروم نسازید

علم و ایدئولوژی

انقلاب در نظام آموزش عالی درگیری با علم نیست

و حل گمراهی است بر سر راه ای سران پای درو حل منهدید مشتی اطفال نو تعلم را لوح ادبار در بغل منهدید

در گردهم آئی انقلاب فرهنگی اسلامی، که به دعوت دفتر همکاریهای مردم با رئیس جمهور در دانشگاه ملی ایران برگزار شد، گفتگو از حاکمیت ایدئولوژی بر علم به میان آمد. و اصحاب فلسفه تحقیق، از آن رو، که علم راجدای از ایدئولوژی می جویند، به انتقاد گرفته شدند، و در بیافتهایشان ناروا خوانده شد، و این اندیشه ستوده آمد، که علم میباید بر مسیری به رود که خواست آدمی است، و هدفی را بجوید که اخلاقی و مردمی است. رها کردن علم را در فضای عاری از اندیشه قبلی، گسیل داشتن به سرگردانی و بد حاصلی خواندند، و این برداشتها را بر پایهای از گفتار حجه الحق شیخ الرئیس استوار داشتند که گفته است، در بقعه هستی همه چیز میسر میباشد. چنین برداشتی از علم میباید که شکافته و بررسی شود، زیرا در این برداشت خطرناک نهفته است، و کمترین خطر این برداشت به تزلزل در افکندن علم میباشد، و به شک کشیدن باورهای علمی و چنین سزد که نادرستی این برداشت آشکار شود تا پیشینه ای دشواری آفرین در زمینه معرفت شناسی ما به جا نماند.

نخست شایسته است که سخن ناز فیلسوف اجل شیخ الرئیس را وارسی کرد ولی پیش از این وارسی بسیار پسندیده میباشد که بر قدر و منزلت فیلسوف بزرگ آفرین گفت:

شیخ الرئیس بی هیچ تردید از تواناترین دانشوران تاریخ بشر است و قدرت اندیشه وی چون وسعت و رنگینی آن، حیرت آور، و شیوه های برداشت او از پختگی فکر و هشیاری سرشار برخوردار است.

شیخ الرئیس را بر بشر، و بر تاریخ علم منتهما است، و بر بزرگی قدرش و بر بلندی جایگاهش هیچ تردید روا نمی باشد. و تفاوت رای او با برداشتهای کنونی ما هیچ از پایگاه والا یش نمی کاهد. اینک پس از ادای احترام و سپاس به فیلسوف بزرگ باید که سخنش را وارسی کرد. هر گفتار می باید در زنجیره پیوسته زمان در یافته و دانسته شود، و بر گرفتن هر اندیشه از جایگاه زمانی آن بیداد کردن بر آن اندیشه، و به تنگنا افکندن پیرامونیان و آیندگان است. گفتار حجه الحق هم میباید در پیوستگی و گسستگی تاریخی

دادگاه منطق بستاند. و منطق هم هر جوینده را به نهانخانه ذهن رهنمون بود، و در نهانخانه ذهن هم هر تصور میسر است. پس سخن شیخ الرئیس سخن او نیست، سخن زمان و سخن معرفت رایج عصر است، و سخن آن زمان و آن معرفت، دست کم در شیوه اندیشیدن، جای تردید رانها ن نمی دارد.

فیلسوف اجل میتوانست و شایسته بود با اساس منطق در گیر شود، و بر همه ساخت آن به تازد و به جای آن یکباره طرحی نو، در رهنمائی اندیشه فراهم آورد، و شیخ اجل بارها بدین رهگذر پای نهاده است ولی هر بار گران سنگ بودن بار اندیشه زمان، او را از پیمودن ره پلزد داشته است، تا آنجا که با دریغ می سراید «هنالجف القلم» یا «سخن که بدینجا رسید قلم را سر به شکست».

شیخ اجل در زیر بار مردافکن معرفتی چنان پراپهت و پرمخافت، و در ساخت آن روز زمان، میسرش نبود که بر نظام اندیشیدن بتازد، و همه هستی آن را از بن براندازد و شیوه ای تازه آئین کند.

این فیلسوف بزرگ در مجموعه اندیشه های بسر میبرد که عنصر عقل اخلاص کننده، و فرساینده و گمراه سازنده به حساب می آمد، و شرط رسیدن به نتیجه درست، تا راندن عقل بود.

گرفتم گوش عقل و گفتم ای عقل برون روکز تو من وارستم امروز وقتی عقل در اساس و جوهر خود ناتوان از رهگشایی است، و وقتی عقل با خود روح رگود و جمود همراه دارد، و وقتی جوینده با معرفت در دستیابی به مقصود خود، به ابزاری عقل شکن نیاز مبینند، و در پی یافتن این ابزار به وادی عشق گام مینهد، و فریاد یافتن میباید برمی دارد، دیگر چه جای مدرسه و بحث کشف و کشف است، و جمود و ناتوانی عقل، و قدرت و حجاب کشائی عشق را چگونه روشنتر از این توان گفت.

عقل گوید: شش جهت حادث است و بیرون راه نیست عشق گوید: راه هست و رفتار من بارها عقل گوید: پامنه کاندنر فنا جز خار نیست عشق گوید عقل را: کاندنر تو در زیر چنین سنگ آسیائی درشت، از اندیشه ی قفا خورده و قبا دریده چه تواند بر آمدن دز جام می آویختم، اندیشه را خون ریختم بایار خود آمیختم، با او درون بردهام نتیجه بگیرم سخن شیخ الرئیس، سخن شیخ نیست،

سخن معرفت زمان است، و شیخ تا آنجا که بیشترین توانائی بشری ممکن می داشته، در عقلانی ساختن آن کوشیده است ولی فضای فکری و ساخت عمومی جامعه فرصت جلوتر رفتن را نمی داد.

پس پناه گرفتن، در سنگر این چنین سخنی، ناروا است، و بی آنکه از ارج فراوان شیخ به گاهیم در اعتبار این سخن تردید روا می داریم.

اینک بر گردیم به دیدار اصحاب فلسفه تحقیق: در این دیدار هرگز سر آن نداریم که به یاری ایشان بایستیم. اصحاب این فلسفه را زبانی بسیار بلیغ، و پایی چابک به راه است، و به یاری مانیز ندارد ولی بی تردید هر کدبانوی مهربان، بامدادان ظرف آب بر آتش می نهد تا آب به جوش آید و کود کانش را جاشت مهیا سازد، و هر برزگر به فصل خزان بذر به زمستانها سرافشانند، با یقین آنکه، اگر اسباب کار مهیا سازد، سال دگر این بذرها پر او خصب و نعمت ارزانی دارند. و آن جوینده آگاه، عینک بر دیدگان می نهد، با یقین بر آنکه بدین تدبیر قدرت بینائیش فروز خواهد شد.

مدار زندگانی ما بر یقین قرار گرفته است، و رابطهای پدیدها و چیزها را دور از هوی و هوس و پیش بینی، درک میکنیم، چنانکه به هنگام سفر تبریز بر مرغ آهنین بال سوار میشویم و با خوشدلی و بی هراسی، یقین میکنیم که به گاه معین این پرنده آهنین، ما را در شهر تبریز به سلامت خواهد نشاند.

رابطه های پدیدها و چیزها، بی خواست ما هستی یافته، آن گاه این رابطه ها هستی یافته، که اندیشه ما، وجود ما، در کار نبوده است. کار علم شناخت این رابطه ها است.

این رابطه ها بی تزلزل اند، این رابطه ها جاودانه ثابت اند و این رابطه ها بی عنایت به اندیشه ما و خواست ما در کارند، و این رابطه ها در سراسر عالم هستی از ناچیزترین و کوچکترین چیز و

ماده و زمینه، تا بزرگترین بود و نمود، بی اندک تغییر و تردیدی پایدار و برقرار و در کارند. خلاف این رابطه ها هرگز حاصل نمی شود، و ما سودای دفاع از اصحاب ثبوت و نحقق را نداریم ولسی رفتن و برگشتن انسان و چیزها به خارج از حوزه مغناطیسی زمین آشکارا روشن داشت که جهان هستی را نظامی است.

در زیر آسمان کهن هرگز حادثهای رخ نداده است. و هرگز حادثهای هم رخ نخواهد داد و همه چیزها و پدیده ها بر اساس یک نظام ثابت، استوار آمده اند. و نظام هستی از صدفه و اتفاق به دور است. در عالم هستی هیچ چیز ممکن نیست، همه چیزها به تحقیق در رابطه و ساخت و سرشت خود قرار دارند: مرغ می پرد، مار می خزد، آبشار می ریزد، رعد می غرد، برق میدرخشد، و باران می بارد. زمستانها سرد است و تابستانها گرم. در نظام هستی، هیچ رابطه ای دگرگون نمی شود، و هر رابطه جاودانه برجاست. و کار ما دزک و شناخت این رابطه ها است، و این رابطه ها مستقل از خواست و اندیشه و نیاز ما است، چنانکه برای تعیین مساحت چهار گوش همواره همان قاعده ها حاکم است که بوده است.

امام خمینی درست میگوید که هندسه، هندسه است و اسلامی و غیر اسلامی ندارد.

شیوه درک و برداشت بشر از علم میباید کشف رابطه های عینی دنیای واقع را در برداشته باشد. میباید راهی در پیش بگیرد که آنچه در دنیای واقع وجود دارد به درستی و به دقت دریابد، دریافت دقیق دنیای واقع هرگز مغایر با خواستهای ما نیست، و خواستهای ما با همه نتیجه ها و داده های علم تطبیق میکنند.

اگر علم را به پیروی از ایدئولوژی خود بخوانیم، دو خطا مرتکب شده ایم: اول ایدئولوژی خود را از مبنای علمی آن جدا کرده ایم، دوم، راه باز گذاشته ایم تا هر ایدئولوژی دیگری هم علم را به خدمت خود بخواند.

ایدئولوژی نباید تحمیلی بر علم باشد، ایدئولوژی بر خاسته از علم است. و آنان که به درستی ایدئولوژی خود ایمان دارند، از تحمیل آن بر علم سر باز میزنند، و علم را آزاد می گذارند که حق را از باطل تشخیص دهد و اعلام کند.

علم ایدئولوژی بحق را تائید میکند و ایدئولوژی بحق پدید آمده از علم است.

تحمیل ایدئولوژی بر علم، و به مهلکه شک کشانیدن علم و هر چیز را در کارگاه هستی ممکن دانستن، ما را به تیره راههای حیرت میکشاند. دوران اینگونه برداشتها را پشت سر نهاده ایم، برگشتن به آن دوران میسر نیست، و علم چنان با رویی افراشته که هیچ سنگ و هیچ فلاخن شک، کمترین خراش بر آن نتواند آورد.

در میدان «ممکن» باقی ماندن، فرو افتادن از تلاش و تکاپو و برنامه علمی است. و ما نیاز به برنامه علمی داریم، که پاسخی به یقین بر ما عرضه دارد. «ممکن» دورانی داشت و اینک دوران آن گذشته است و ما به دوران «یقین» و «علیت» رسیده ایم.

کار علم در این دوران روشن میباید، علم «ممکن» را به «یقین» بدل میکند و هیچ چیز ممکن نیست، همه چیز بر یقین است.

از اصول استنباط مدد بگیریم، بر اساس آنچه در اصول خوانده ایم ظن در حال انسداد حکم یقین را در حال افتتاح دارد، و اینک باب ما، باب انسداد است. در این باب «ظن» را هم به جای «یقین» می توان نشاند، پس چه جای آن که «یقین علمی» را به باب «ظن» بکشانیم.

دوباره میگویم امام خمینی، درست میگوید بعضی اشخاص توهم کرده اند که علوم دو قسم است و علم اسلامی و غیر اسلامی ندارند.

با دستاوردهای علم در آویختن صدمه بر خویشتن زدن است و دشواری های ما، ناشی از علم نیست.

آگهی حصر وراثت بجای روزنامه جبهه ملی

دائمی متوفی ۲- حسین خردپی به شناسنامه ۱ صادره از تهران پسر متوفیه ۳- فاطمه خردپی به شناسنامه ۹۳ صادره از تهران ۴- صدیقه مددی به شناسنامه ۲۲۵ صادره از سازه فرزندان آن مرحومه ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا

آقای عبدالله خردپی به شناسنامه ۵۷- تهران بشرح دادخواست کلاس ۵۸/۳۵-۱۳۳۶ این شعبه توضیح داده شادروان دسته گل کیانی شناسنامه ۶۸۵۷ در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۰ درگذشت وراثت حین القوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر هس

آگهی حصر وراثت بجای روزنامه جبهه ملی

خانم الوالیه سرکاشوید شناسنامه ۱۶۴۱ بشرح دادخواست کلاس ۴۹- ۱۵۶/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان بیک کرمی متقی شناسنامه ۴۲۹ از تهران در تاریخ ۵۸/۸/۱۱ در تهران فوت کرده وراثت منحصر حین فوتش عبارتند از دو پسر بااسامی رضا و

آگهی حصر وراثت بجای روزنامه جبهه ملی

علیرضا و چهار دختر به اسامی فاطمه و سکینه و معصومه و لیلا و یک عیال دائمی بنام والیه و غیر از نامبرندگان وارث دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا

م الف ۲۳۸۰۸

بیست و نهم اردیبهشت، زادروز مصدق گرامی باد

تظاهرات مردم بحرین علیه حکومت

بدنبال انقلاب اسلامی ملت ایران و اثر بخشی آن در منطقه، مردم بحرین که اکثریت آنها شیعیان ایرانی تشکیل می‌دهند علیه حکومت دست نشانده شیخ بحرین به تظاهرات و پارهای اقدامات سیاسی پرداخته‌اند. این حرکتها از دو ماه پیش شدت بیشتری پیدا کرد و چندین تظاهر و گردهم‌آئی در نامه بوجود آمد. در غالب تظاهرات پلیس وارد عمل میشد و به جرح و ضرب تظاهر کنندگان میپرداخت که در یکی از این درگیری‌ها یک تن شهیدت رسید. بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه بدنبال مراسم تشییع جنازه این شخص، تظاهرات دیگری از سوی ایرانیهای بحرین صورت گرفت که با دخالت پلیس و استفاده از گاز اشک‌آور درهم شکسته شد.

اعتراض سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات به بستن چاپخانه‌ها

دادستانی کل انقلاب اسلامی با اعتبار اطلاعیه قبلی خود مبنی بر تعطیل مراکز انتشاراتی و چاپخانه‌هایی که با نشریات غیرقانونی همکاری میکنند در هفته گذشته دست به تعطیل و مهروموم چند چاپخانه و دستگیری مسئولان آنها نمود. هم چنین در این رابطه مقداری از نشریات به توقیف کشیده شدند. بدنبال این اقدام، هفته پیش سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات طی اطلاعیه‌ای بشدت به دادستانی انقلاب اعتراض کرد.

در این اطلاعیه آمده است که آنچه به شدت بر نگرانی نهادهای مطبوعاتی و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات می‌افزاید این است که حتی در صورتی که «ضدانقلابی» بودن نشریات مورد ادعای دادستانی کل انقلاب در دادگاه ملی صالح به اثبات رسیده بود این حکم به هیچ وجه و بر اساس هیچ یک از موازین موجود نمی‌توانست تعطیل چاپخانه‌ها و مهروموم کردن آنها را توجیه کند.

تعطیل چاپخانه به اتهام چاپ نشریه‌ای «ضدانقلابی» خود بخود به معنی تعطیل شدن همه نشریات دیگر است که در آن چاپخانه چاپ میشود.

ضمن سپاسگزاری از سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات از آنان میخواهیم که همچنان مجدانه پاسدار آزادی‌های مطبوعاتی که از دستاوردهای انقلاب خونین ملت ایران است، باشند.

از خبرهای هفته

تناقض گوئی در ارسال کمک مالی برای نهضت‌های آزادیبخش

بدنبال انتشار یک لیست از مقدار ارزهایی که بنام کمک ایران به سازمانهای آزادیبخش و در عمل به حسابهای مراکز دیگر از کشور خارج شده است، هفته گذشته کانون اسلامی و مجمع نمایندگان بانک مرکزی ایران وجود چنین ارقامی را تکذیب کرده و مدعی شدند که چنین وجوهی از کشور خارج نشده و این لیست جعلی است.

از طرف دیگر دکتر بهشتی عضو شورای انقلاب و رئیس دیوانعالی کشور و رهبر حزب جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای اعلام داشت که یکی دو قلم از وجوه یاد شده در لیست تکذیب شده صحیح است و اصولاً شورای انقلاب ارسال یک میلیارد ریال کمک به سازمانهای آزادیبخش را تصویب کرده است. از همه این ضد و نقیض گوئیها که بگذریم ملت ایران میخواهد بداند که چه کسی باید سازمانهای کمک‌گیرنده را تعیین کند و این کمک چگونه و توسط چه کسانی به دست کمک‌گیرندگان رسیده یا خواهد رسید؟

آیا درست است که مبلغ ۱۰ میلیون لیره لبنانی جهت کمک به شیعیان جنوب لبنان توسط آقای هاشمی رفسنجانی در وجه نماینده حزب جمهوری اسلامی در بیروت حواله شده و تاکنون نیز هیچکس نمیداند که این رقم در کجا و چگونه بمصرف رسیده است.

باز هم حمله بیجا به ارتش

دکتر چمران وزیر دفاع هفته گذشته طی یک مصاحبه اعلام داشت «نظام فعلی ارتش همان نظام طاغوتی گذشته است و این طرز تفکر طاغوتی به نوعی در طبیعت ثانوی ارتشیان رسوخ کرده و بطور خلاصه و مختصر می‌بینیم که مردم از ته قلب به ارتش اطمینان نمی‌کنند و باز هم سایه‌ای از شک و تردید و ناراحتی به قلوب مردم سایه افکنده است»

جای تعجب است که وزیر دفاع اینگونه نسنجیده سخن میگوید و ارتشی را که بملت پیوسته و بارها وفاداری خود را به انقلاب ثابت کرده است اینچنین مورد قضاوت قرار میدهد. اگر نظام موجود در ارتش و سازمان اداری و فرماندهی مورد ایراد است و باقیمانده نظام طاغوت میباید، وظیفه وزیر دفاع و سایر دولتمردان بوده است که در فرصت کافی که داشته‌اند با سازماندهی صحیح، نظامی نوین و مردمی بنیاد نهند، نه آنکه با بیان اینگونه مطالب غیرواقع باعث دلسردی و ضعف روحیه ارتشیان فداکار بشوند.

از سوی امام خمینی هیاتی مامور رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفین شد

از سوی امام خمینی به یک هیات نه نفره ماموریت داده شد که به فعالیت و عملکرد این بنیاد در زمینه‌های گوناگون رسیدگی کند.

در اطلاعیه‌ای که از طرف دفتر امام خمینی صادر شده مقامات مسئول دولتی و بنیاد و علمای شهرستانها موظف شده‌اند که تمام وسائل تسهیل کار را فراهم آورند تا در صورت لزوم در صدور حکم تأخیری صورت نگیرد.

در این رابطه سازمان رادیو تلویزیون موظف شده است که گزارشات این هیئت را به بهترین وجه در اختیار مردم قرار دهد.

آنچه بنظر ما امام خمینی را بر آن داشت که چنین ماموریتی به این هیئت بدهند، ابهام بسیار در بیان بنیاد مستضعفین بوده که با شتاب و عجله بسیار بدنبال اخطار شدید امام در پیام نوروزی خود، از طرف این بنیاد منتشر شده بود.

ما به نوبه خود از این هیات میخواهیم که با جدیت تمام وبدون اینکه به تهدیدها و اعمال نظر، گروههای ذینفع توجهی داشته باشند، بیان واقعی این بنیاد را تهیه و باین وسیله مردم را در جریان واقعی فعالیت‌های دستاورد کاران آن قرار دهند.

سفیر ایران در شوروی، درباره مذاکرات دوا بر قدرت هشدار داد

محمد مکری سفیر ایران در شوروی پیرامون مذاکرات وزیران خارجه آمریکا و شوروی در ضمن مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس اظهار داشت که:

«اگر چه رهبران شوروی تأکید کرده‌اند که هیچگونه توافق محرمانه‌ای علیه ایران نخواهند کرد ولی باید هوشیارانه این مذاکرات را دنبال کرد..... مبارزه ما با یکی از این قدرتها نباید بمعنای وابستگی ما به بلوک قدرت بزرگ دیگری تلقی شود. مبارزه ما با آمریکا برای خوش آیند دولت شوروی نبوده است و عدم تفاهم، و موضعگیری‌های خاص ما در برابر شوروی نباید آمریکا را خوشحال کند و این تصور در او ایجاد شود که ما برای خوش آیند غربی‌ها و دشمنان شوروی موضع‌گیری کرده‌ایم.»

از میان نوشتارهای رسیده

به دنبال انتشار آرمان ملت، نوشتارهای گوناگونی از سوی هم‌زمان و هواداران حزب ملت ایران به ما رسیده است که به دلیل محدود بودن صفحات روزنامه، تاکنون به نشر آن موفق نشده‌ایم و چون روزنامه را پیوندی میان خود و ایران و هم‌اندیشانمان میشناسیم و میکوشیم تا این رشته هر چه مستحکمتر گردد، یک هفته ستون «نامه‌های رسیده» و هفته‌ای دیگر ستون «از میان نوشتارهای رسیده» را از این پس به چاپ میرسانیم.

چگونگی تضعیف ارتش

با گذشت هر روز قدرت اجرائی دولت ضعیف‌تر و هرج و مرج گسترش بیشتری مییابد و این دو پدیده با یکدیگر در ارتباط مستقیم هستند.

قطعی است که مردم نمیتوانند و نباید خود اجرا کننده قانون باشند و هر چه پای مردم بعنوان قدرت اجرائی بیشتر بمیان آید دامنه هرج و مرج نیز گسترش بیشتری خواهد یافت بنابراین دولت در هر بخش باید از وجود کار بدستان ورزیده و آموزش دیده، استفاده کند و قانونهای کشوری و تصمیمهای خود را بوسیله سازمانهای اجرائی، بکار بندد.

اما با افسوس بسیار بعد از انقلاب دست‌های شناخته شده‌ای تحت عنوان پاکسازی به متلاشی کردن سازمانهای اجرائی کشور پرداختند و از جمله در ارتش بدون در دست داشتن قانون و ضابطه‌ای و تنها بخواست و سلیقه شخصی و گاه از روی انتقامجویی به اخراج و باز خرید و بازنشستگی هزاران افسر و درجه‌دار نیروهای سه‌گانه اقدام کردند و هر گاه که در برابر پرسشها هیچگونه پاسخی نداشتند هدف را کوچک کردن ارتش عنوان میکردند و جالب توجه

آنکه در ماه گذشته متلاشی کنندگان ارتش که گویا تازه از خواب برخاسته‌اند به تعدادی از باز خریدی‌ها و بازنشستگی‌های ارتش پیشنهاد کرده‌اند که دو مرتبه به کار باز گردند و سرنوشت خود را بدست کسانی بسپارند که بدون کوچکترین اندیشه یکباره زندگی آنان را زیر و رو کرده‌اند.

وزیر دفاع که زیر حکم کنار گذاردن هزاران نفر از ارتشیان گارا و ورزیده را یکباره و یکجا امضاء کرده است در جواب به خبرنگار روزنامه کیهان که در مورد درگیری کردستان از ایشان سوال کرده بود، میگوید که: «بر اساس قانون اساسی جمهور اسلامی ایران، وزیر دفاع هیچ دخالتی و هیچ مسئولیتی در امور نیروها ندارد و مسئولیت وزیر دفاع صرفاً به امور مالی و لجستیکی محدود میشود و کارهایی که فعلاً در کردستان صورت میگیرد زیر نظر ستاد مشترک است و اگر ستوالی دارید از ستاد مشترک بپرسید». وزیر دفاع باید بداند که کارشناسان هم مدت‌ها ست که همین را میگویند، وزیر دفاع تنها نماینده ارتش در هیات وزیران است تا نیاز مندیهای مالی و لجستیکی ارتش را با اطلاع دولت برساند بسیاری هم عقیده دارند دشواری گسستگی کردستان نتیجه رفتار نادرست و خصمانه‌ی سال پیش است و تعجب می‌کنند که ایشان بعد از تضعیف ارتش و پاشیدن تخم نفاق در کردستان خود را در چهار چوب قانون قرار داده و بظاهر کنار کشیده‌اند.

خطر شایعه‌پراکنی

این روزها ضد انقلاب برای تیشه بر ریشه زدن انقلاب خونین ما بهروسیله‌ای متوسل میشود. و بهرلباسی در میاید تا بمنظور خود برسد. گیریم او از راست راست تا چپ چپ تغییرپذیر است، بستگی باین دارد که در چه محفلی باید حضور یابد. بهترین ضربهای خود به انقلاب اسلامی ملت ایران را هم شایعه‌پراکنی در جهت تضعیف ایمان مردم تشخیص داده است.

در محفلی بودم که دو ضد انقلاب شناخته شده و مار کدار که یکی امیر بازنشسته ارتش و دیگری یک مقامدار رژیم منحوس پهلوی بود به برکت آزادی‌های بدست آمده و عفو عمومی امام در آنجا حضور داشتند. ایندو چنان داد سخن میدادند و از امریکائی بودن و وابستگی جمهوری اسلامی ایران به امریکا صغری و کبری می‌چیدند و نتیجه گیری می‌کردند که اطرافیان متزلزل را به تردید انداخته بودند.

باتوجه به شناسائی اکثریت شرکت کنندگان در مجلس از سوابق ایندو، برایم تأثر آور بود چگونه دیگران این چنین گذشته اینان را فراموش کرده و تحت تأثیر شایعات از پیش ساخته ماهرانه‌ایکه برای پخش بدست ایندو خود پرست و از حق بیگانه داده اند توجه میکنند تحت تأثیر قرار می‌گیرند. توجه مجلسیان را بخود جلب کردم و گفتم:

صحبت‌های آقایان برای همه، جالب است ولی فقط یک جای سوال برایمان باقی گذاشته است امیدوارم پاسخ به سوال کلیه تردیدها ما را نسبت بمطالب اظهار شده رفع کنند و ما هم از فردا جزو مخالفین رژیم انقلاب اسلامی در آئیم. مجلس در سکوت غوطه‌ور شد و من ادامه دادم.

همه ما میدانیم که آقایان (اشاره به دو گمراه) در رژیم گذشته از طرفداران سرسخت شاه و رژیم امریکائی او بودند و در این مطلب جای شک و تردیدی برای هیچکس از حاضرین از جمله خود آنها باقی نیست، بسیار خوب، آقایان با هزار و یک وصله و پینه صغرا و کبرا میخواهند ثابت کنند که رژیم فعلی در همان ردیف رژیم گذشته منتهی با رنگ و روغن و ظاهری دیگر است. فرض کنیم این حرف درست باشد سوال اینست که شما که از این واقعه باید خوشحال باشید و قاعدتاً این رژیم را حمایت کنید، پس بچه دلیل چنین با نفرت و خصمانه نسبت به دستاوردهای انقلاب و دستاورد کاران آن صحبت میکنید؟ آیا این رویه نقض غرض با تمایلات و دیدگاههای شما نیست.

در اینجا بود که نه تنها پاسخ دریافت نداشتم بلکه با عصبانیت و فحش و اتهام آن دو تن بیچردی خود - چه مو چه شدم. بقیه در صفحه دوم